

### תְּקִיָּקָה = دستور زبان

تعداد حروف ریشه افعال در زبان عبری ثابت و از این حیث به سه گروه دو حرف اصلی [קָם] (بلند شد)، سه حروف اصلی [פָּתַח] (نوشت)، چهار حرف اصلی تقسیم شده‌اند [צָלַץ] (زنگ زد)، هر گاه در فعلی، در تمام حالات صرف (زمان‌های گذشته، آینده و حال و امر و نهی و منفی و مصدر) تمام حروف ریشه باقی بماند و حتماً ملفوظ هم باشد آن فعل را فعل سالم گویند مثال פָּתַח (فعل نوشتن) که در تمام حالات صرف سه حرف اصلی آن باقی می‌ماند و تلفظ می‌شود که به آنها פְּעֻלִים שְׁלֵמִים یعنی افعال کامل یا سالم می‌گویند.

اما فعلی که در هر مورد از حالات صرف یک یا دو حرف از حروف ریشه آن حذف یا غیر ملفوظ شود آن فعل را فعل ناقص می‌گویند مثال הִיאָ קָזְיָה (او می‌خرد) הֵם קָזְיִים (آنها می‌خرند) که حرف ה در فعل اول غیر ملفوظ و در فعل دوم حذف شده است یا אֲנִי נֹפֵל מִן אֶפְלָ מִן خَوَاهִم افتاد که حرف נ در آینده حذف شده است. که به این افعال פְּעֻלִים חֲסֵרִים یعنی افعال ناقص می‌گویند.

### הַבְּנֵינִים باب‌های افعال

افعال عبری دارای ۷ باب یا בְּנֵינִים هستند که اسامی آنها بشرح زیر است:

**باب اول = בְּנֵינִי פְּעֵל (קָל) :** که ساده‌ترین باب‌ها می‌باشد و بر فاعلیت دلالت می‌کند و فاعل، کار را به سادگی انجام می‌دهد مثال הִיאָ שֹׁמֵרָה او نگهداری می‌کند. (سوم شخص زمان گذشته این باب ریشه فعل است مثل שָׁמַר نگاه داشت)

**باب دوم = בְּנֵינִי נִפְעֵל :** که شکل مجهول باب اول است مثال: הִיאָ נִשְׁמָרָה او نگهداری می‌شود.

**باب سوم = בְּנֵינִי פְּעִיל :** مانند باب اول (פְּעֵל) ولی با شدت عمل زیادتر است مثل אֲנִי שֹׁמֵר מִן می‌شکنم در باب اول (פְּעֵל) می‌باشد که در باب سوم (פְּעִיל) میشود אֲנִי מְשַׁבֵּר מִן خُرد می‌کنم.

**باب چهارم = בְּנֵינִי פְּעִיל :** شکل مجهول باب سوم (פְּעִיל) است که در آن کار بشدت انجام پذیرفته است. مثال הָעֵצִים נִשְׁבְּרוּ هیزم‌ها خُرد شدند.

**باب پنجم = בְּנִין הַפְּעִיל :** فاعل، کار را برای شخص دیگری انجام می‌دهد و به عبارت دیگر در این باب دو فاعل وجود دارد مثال **הוּא מְדַבֵּר אֶת הַיָּר** او شمع را روشن می‌کند، که هم او و هم کبریت هر دو فاعل می‌باشند ولی فاعل دوم به قدری مشخص است که لازم به ذکر آن نیست.

**باب ششم = בְּנִין הַפְּעִל :** شکل مجهول باب پنجم (הַפְּעִיל) است که کاری به وسیله دو فاعل انجام پذیرفته است مثال **הַיָּר הִדְלִק** = شمع (بوسیله کسی) روشن شد.

**باب هفتم = בְּנִין הַתְּפִיל :** در این باب فاعل و مفعول در یک شخص یا شیئی می‌باشد مثال **הוּא הִתְפַּיל** او (در حق خود) نماز خواند. **הוּא הִתְאַבֵּד** او خودکشی کرد.

یادآوری: در درس‌های قبلی (۱۳ و ۱۵) اشاره‌ای به صرف افعال در زمان حال و گذشته شده است و اکنون به صرف چند فعل مختلف در زمان آینده در باب **פְּעִל** (که بر فاعلیت دلالت می‌کند می‌پردازیم) بد نیست بدانیم که صرف فعل خواستن (خواهم، خواهی، خواهد...) در زبان فارسی و حروف **א, ת, י, נ, ט, ו** در زبان عبری (در مذکر) و **א, ת, נ, ט, ו, ת** (در مؤنث) در زمان آینده معادل یکدیگر هستند. (و همانطور که خواهیم، خواهی، خواهد...) در فارسی جلو فعل نوشته میشود (خواهم رفت، خواهی رفت، خواهد رفت...) و آنها علامت زمان آینده می‌باشند حروف **א, ת, נ, ט, ו** هم در عبری جلو فعل می‌آیند و علامت زمان آینده هستند.

### נְטִיּוֹת זְמַן עָתִיד סָרְف זְמַן אִינְדֵה

פְּרֹשׁ = מְעִנִי	אֲנִי =	אַתָּה =	אַתָּה =	הוּא = او	הִיא = او
מֵן	אֲנִי	אַתָּה	אַתָּה	הוּא	הִיא
מֵן	אֲנִי	אַתָּה	אַתָּה	הוּא	הִיא
אָבֹא	אָבֹא	תָּבֹא	תָּבֹא	יָבֹא	תָּבֹא
אָשֵׁב	אָשֵׁב	תָּשֵׁב	תָּשֵׁב	יָשֵׁב	תָּשֵׁב
אָדַע	אָדַע	תָּדַע	תָּדַע	יָדַע	תָּדַע
אָקְרָא	אָקְרָא	תָּקְרָא	תָּקְרָא	יָקְרָא	תָּקְרָא
אָרְצָה	אָרְצָה	תָּרְצָה	תָּרְצָה	יָרְצָה	תָּרְצָה
אָכְתֵּב	אָכְתֵּב	תָּכְתֵּב	תָּכְתֵּב	יָכְתֵּב	תָּכְתֵּב
אָפְתַח	אָפְתַח	תָּפְתַח	תָּפְתַח	יָפְתַח	תָּפְתַח

פרוש = معنی	אַנקנו = ما	אַתם = شما	הם = آنها	אַתן - הן שما- آنها (مؤنث)
خواهم آمد...	נבוא	תבואו	יבואו	תבאנה
خواهم نشست...	נשב	תשבּו	ישבו	תשבנה
خواهم دانست...	נדע	תדעו	ידעו	תדענה
خواهم خواند...	נקרא	תקראו	יקראו	תקראנה
خواهم خواست...	נרצה	תרצו	ירצו	תרצנה
خواهم نوشت...	נכתב	תכתבו	יכתבו	תכתבנה
باز خواهم کرد...	נפתח	תפתחו	יפתחו	תפתחנה

تذکر: در زمان آینده در تمام افعال (۷ باب)

- ۱- اول شخص مفرد مذکر و مؤنث یک شکل دارند. ۲- اول شخص جمع مذکر و مؤنث نیز یک شکل دارند. ۳- دوم شخص مفرد مذکر و سوم شخص مفرد مؤنث یک شکل دارند. ۴- دوم شخص و سوم شخص جمع مؤنث یکی است. برای مثال فعل **שׁוּם** (لשים) گذاشتن در زمان آینده:

זָכָר	מזכר	אָשִׁים	תָּשִׁים	יָשִׁים
נִקְבָּה	مؤنث	אָשִׁים	תָּשִׁימִי	תָּשִׁים
		خواهم گذاشت	خواهی گذاشت	خواهد گذاشت

זָכָר	מזכר	נָשִׁים	תָּשִׁימוּ	יָשִׁימוּ
נִקְבָּה	مؤنث	נָשִׁים	תָּשִׁימוּ	תָּשִׁימוּ
		خواهیم گذاشت	خواهید گذاشت	خواهند گذاشت

### בְּמָה מְשֻׁפָּטִים בְּתַחוּם זְמַן עָתִיד - چند جمله در زمینه زمان آینده

- ۱- בַּשְּׁבוּעַ הַבָּא מֵרֵשׁעֵי אִי רֵאשׁ הַהֲנֵהֲלֵת וְעַד יְהוּדֵי פָּרַס יִלְךְ אֶצְלָ פְּבוּד נְשִׂיא הַמְדִינָה מֵרֵשׁ כְּאַתְמִי וַיְדַבֵּר עַל בְּעִיּוֹת שֶׁל יְהוּדֵי פָּרַס.

هفته آینده آقای یسعیائی، رئیس هیئت مدیره انجمن کلیمیان ایران، نزد رئیس جمهور محترم جناب آقای خاتمی خواهد رفت و درباره مسائل یهودیان ایران صحبت خواهد کرد.

۲- במאמר ראשי הפא "בינה" אדון עורך ראשי יכתב מאמר על דבר הסרטים ששדרו מטלויזיה נגד היהודים.

در سرمقاله آینده بینا آقای سردبیر درباره فیلم‌های ضد یهودی که از تلویزیون پخش شده است مقاله‌ای خواهد نوشت.

۳- "אני מאמין באמונה שלמה שיבא מלך המשיח".

"من ایمان کامل دارم که ماشیح (ناجی جهان) خواهد آمد."

۴- במכתבי הפא אכתב לך על הירחון בינה ומטרותיו.

در نامه آینده‌ام برایت درباره ماهنامه بینا و هدفهای آن خواهم نوشت.

۵- הירחון בינה יביא לקוראיו מאמרים שונים על ענייני מדעי , חנוך , מוסר ,  
و חברה.

ماهنامه بینا مقالات گوناگون درباره مسائل علمی، تربیتی و فرهنگی و اخلاق و اجتماع تقدیم خوانندگان خواهد کرد.

۶- קשה לי לדבר עברית אשתדל ללמוד היטב עברית.

برایم مشکل است که عبری صحبت کنم سعی خواهم کرد عبری را بهتر یاد بگیرم.

۷- שרה ורחל מחר תבאנה אצלנו והן תדברנה על חתונת חנה ויהודה.

سارا و راحل فردا نزد ما خواهند آمد و آنها درباره جشن عروسی حنا و یهودا صحبت خواهند کرد.

۸- בשנה הבאה כבר אני לא אלמד כי זקנתי.

در سال آینده دیگر من تدریس نخواهم کرد چونکه پیر شده‌ام.

۹- "בינה המקדש וברנה שם נעלה ושם נשיר שיר חדש."

معبد مقدس آباد خواهد شد و با ترنم به آنجا به زیارت خواهیم رفت و در آنجا سرود تازه خواهیم خواند.

## מלים חדשות لغات جدید

נשיא המדינה	נְסִי הַמְדִינָה	رئيس جمهور
עורך ראשי	עוֹרֵךְ רָאשִׁי	سردبیر
מאמר ראשי	מַאֲמָר רָאשִׁי	سرمقاله
מאמין	מַאֲמִין	ایمان دارم
מקדש	מִקְדָּשׁ	معبد مقدس
נגד	נֶגֶד	علیه - ضد
כבוד	כְּבוֹד	مقام محترم
מדעי	מְדַעִי	علمی
חנוך	חִנּוּךְ	تربیت
רננה	רִנָּנָה	ترنم - سرود
מוסר	מוֹסָר	اخلاق
היטב	הִיטֵב	بخوبی - کاملاً
חברה	חֲבֵרָה	انجمن - اجتماع
אמונה	אֱמוּנָה	ایمان - اعتقاد
נשיר	נִשְׁיֵר	سرود خواهیم خواند

← درس قبلی

→ درس بعدی